

بررسی شکاف‌ها و نیازها در برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری در ایران: پیش‌درآمدی بر طراحی الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی

سپند ریاضی^{۱*}، مجید علی عسگری^۱، علی حسینی خواه^۱، ناهید دهقان نیری^۲

۱. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲. دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

نشریه پایش

سال نوزدهم، شماره دوم، فروردین - اردیبهشت ۱۳۹۹ صص ۱۴۵-۱۵۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱/۲۷

انشر الکترونیک پیش از انتشار - ۳۱ فروردین ۹۹]

چکیده

مقدمه: موضوع، ارتقای شایستگی‌های دانشجویان علوم پزشکی در عرصه‌های علمی، ارتباطی و مهارتی، به عنوان یکی از راهبردهای ذیل سیاست‌های کلان «برنامه جامع آموزش عالی حوزه سلامت»، تصریح شده است. رویکرد مبتنی بر شایستگی، در طراحی برنامه‌های درسی در دانشگاه‌های برتر جهان، با این سیاست کلان، تطبیق داشته و با آرایه اسلوبی علمی، تحلیل وضعیت موجود را تسهیل می‌نماید. با توجه به اهمیت و پیچیدگی دوره کارشناسی پرستاری، مطالعه حاضر، با هدف بررسی شکاف‌ها و نیازهای موجود در برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری در ایران به عنوان پیش‌درآمدی منطقی برای طراحی الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی انجام شد.

مواد و روش کار: پژوهش حاضر، یک مطالعه کیفی و مشتمل بر دو بخش نیازسنجی و مطالعه تطبیقی بود؛ که به منظور انجام نیازسنجی از فن دلفی و برای مطالعه تطبیقی از الگوی Bereday استفاده گردید.

یافته‌ها: پس از اولویت‌بندی اطلاعات حاصل از فرآیند نیازسنجی، در نهایت ۸ محور اصلی «شایستگی‌های دانشجویان»، «محتوا»، «سازمان‌دهی محتوا»، «روش‌های آموزشی و تجربیات یادگیری»، «ارزیابی دانشجو»، «زمان»، «نیازهای جامعه» و «کلیت برنامه درسی» استخراج گردید. در هر محور موضوعات مهم‌تر به تفکیک مشخص شده و در مجموع ۳۵ گزاره به عنوان شکاف و نیاز اصلی در برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری، لحاظ گردید. همچنین یافته‌های مطالعه تطبیقی نشان داد، وضعیت موجود برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری در ایران در مقایسه با برنامه‌های درسی مشابه در دانشگاه‌های برتر جهان، افزون بر تأیید وجود برخی شباهت‌ها، حاکی از تفاوت‌هایی تأثیرگذار در کلیت برنامه درسی این دوره همچنین هر یک از اجزا و عناصر آن است.

نتیجه‌گیری: دغدغه اصلی شرکت‌کنندگان در این مطالعه، در خصوص عدم مهارت کافی دانش‌آموختگان دوره کارشناسی پرستاری بود. آنها معتقد بودند که به رغم تلاش مسؤولان و دست‌اندرکاران امر آموزش پرستاری، برنامه درسی به گونه‌ای نیست که بتواند در دانشجویان، انگیزه ایجاد کند و دانش‌آموختگان را به درک و نگرش و مهارت لازم در خصوص حرفه خود، برساند. به طور کلی، مطالعه حاضر به کشف برخی نیازها و شکاف‌های موجود در برنامه درسی ایران منجر شده است و می‌تواند مورد استفاده تصمیم‌سازان در امر آموزش پرستاری کشور قرار گیرد.

کلیدواژه: نیاز، برنامه درسی، دوره کارشناسی، پرستاری، ایران

کد اخلاق: KhU.1395.134

* نویسنده پاسخگو: تهران، مرکز مطالعات و توسعه آموزش، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی

E-mail: seband.riazi@gmail.com

مقدمه

دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور در حال حاضر و در جریان اجرای بسته‌های تحول و نوآوری در علوم پزشکی با طیف وسیعی از فعالیت‌های نوآورانه و توسعه‌ای در حوزه آموزش، مواجه هستند. یکی از موضوعات مهم مورد توجه این بسته‌ها، تقویت پاسخگویی اجتماعی از طریق حرکت به سوی نیازسنجی‌های مؤثرتر، بازنگری برنامه‌های درسی و آموزش مبتنی بر شایستگی‌ها است. رویکرد مبتنی بر شایستگی به عنوان رویکردی در حال تکامل و مورد توجه در طراحی برنامه‌های درسی در دانشگاه‌های برتر جهان، با این سیاست کلان، تطبیق داشته و با ارایه اسلوبی علمی، تحلیل وضعیت موجود را تسهیل می‌نماید. آموزش مبتنی بر شایستگی، رویکردی به طراحی سیستم‌های آموزشی یا برنامه‌های درسی است که بر شایستگی‌های دانش‌آموختگان تمرکز دارد؛ به گونه‌ای که این شایستگی‌ها، به عنوان اساس و پایه‌ای برای تشخیص و تعیین عناصر کلیدی و فرایندهای آموزشی، محسوب می‌شوند [۱].

در این رهگذر و به منظور ایجاد بستری مناسب برای فعالیت‌های نوآورانه در برنامه‌ریزی درسی، نیازسنجی آموزشی و بررسی وضعیت موجود برنامه‌های درسی هر یک از رشته‌مقاطع علوم پزشکی، در تعیین نقطه آغازین حرکت اصلاحی و فاصله میان وضع موجود و موقعیت مطلوب تأثیرگذار بوده و پیش‌درآمدی منطقی را برای هر گونه تصمیم‌گیری، فراهم می‌سازد. Davis و همکاران معتقدند که نیازسنجی آموزشی می‌تواند به عنوان فرآیند تشخیص و تعیین شکاف میان آنچه که هست و آنچه که باید باشد تعریف شود [۲]. همچنین نیازسنجی فرآیندی است که به افراد کمک می‌کند تا ارزش‌ها و اطلاعات را تعیین و بررسی کنند. همچنین با فراهم آوردن اطلاعات لازم، جهت‌گیری مناسب در مورد برنامه‌های درسی و منابع را ترسیم می‌نماید. نیازسنجی می‌تواند بخشی از فرآیند‌های طراحی برنامه درسی، ارزشیابی و تخصیص منابع باشد [۳].

یکی از رشته‌مقاطع مهم و در خور توجه که به دلیل وجوه متفاوت دانشی و عملکردی، از اهمیت و پیچیدگی خاصی برخوردار است، دوره کارشناسی رشته پرستاری است. دانش‌آموختگان این رشته به سطح مشخصی از مهارت‌های بالینی، نیاز دارند تا شانس خوبی برای موفقیت در نقش آینده خود به عنوان پرستار داشته باشند [۴]. به همین جهت، بررسی وضعیت موجود و تعیین شکاف‌ها و نیازهای موجود در برنامه درسی این دوره با استفاده از نظرات صاحب‌نظران همچنین در مقایسه با برنامه‌های درسی مشابه در

دانشگاه‌های برتر جهان، می‌تواند راه را برای ایجاد تغییرات متناسب با نیازها و هر گونه تصمیم‌گیری به‌هنگام، هموار سازد.

در اغلب کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، بیشتر مؤسسات آموزش عالی شکاف رو به رشدی بین برنامه‌های درسی و تقاضاهای جامعه تجربه می‌کنند که برنامه‌های درسی مناسب می‌توانند تا حد زیادی موجب کاهش این شکاف شوند [۵]. اما نکته قابل توجه این است که در حال حاضر نه تنها آموزش، شکاف بین نظریه و عمل را کاهش نمی‌دهد، بلکه خود بر این شکاف دامن می‌زند [۶]. در این میان، برنامه‌های درسی که به طور اخص، نیازهای واقعی فراگیران را مد نظر قرار می‌دهند، به طور خاصی مؤثر و قابل توجه هستند. نیازسنجی روشی را برای یادگیری فراهم می‌نماید که توجه خاصی به آنچه که تاکنون یاد گرفته شده، داشته و در عین حال به دنبال یافتن شکاف‌های باقیمانده در یادگیری است. همین امر این امکان را برای مدرسان فراهم می‌کند که بر مبنای اطلاعات به‌دست‌آمده، تصمیمات آگاهانه‌ای را در خصوص سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز و گسترش تأثیر برنامه‌های درسی اتخاذ نمایند [۷]. از سوی دیگر، آموزش پرستاری به عنوان بخشی از نظام آموزش عالی در دهه‌های اخیر در جهان با سرعت زیادی در حال توسعه و گسترش کمی است که باعث نگرانی درباره کیفیت آموزش این رشته شده است [۸]. این در حالی است که نظام آموزش پرستاری به دلیل ارتباط نزدیکی که با سلامت مردم دارد از اهمیت خاصی برخوردار است و ضروری است آموزش پرستاری به سمت ارزیابی کیفیت، حرکت کند [۹]. نکته حائز اهمیت این است که در سال‌های اخیر، آموزش پرستاری نیز از چالش‌های موجود در آموزش عالی، مبرا نبوده و با مشکلاتی روبرو بوده است. به گونه‌ای که در سطح جهان با چالش‌هایی از جمله شایستگی دانش‌آموختگان، کیفیت آموزش و برنامه‌های درسی رشته پرستاری مواجه شده است [۱۰]. در ایران نیز اگر چه روند سال‌های اخیر، حاکی از رشد و وضعیت مثبت این حرفه تخصصی است، ولی همانند بسیاری از کشورهای دیگر، با چالش‌های غیرقابل انکاری نیز دست‌به‌گریبان بوده است [۱۱].

با عنایت به این چالش‌ها و ضرورت کشف شکاف‌ها و نیازها در برنامه درسی در حال اجرای دوره کارشناسی پرستاری در ایران همچنین عدم وجود پژوهشی در خصوص وضعیت موجود تمامی عناصر این برنامه درسی از دو منظر مورد عنایت این پژوهش، محققان بر آن شدند به شیوه‌ای نظام‌مند، از نظرات صاحب‌نظران در خصوص شکاف‌ها و نیازهای موجود در برنامه درسی دوره

مشمول بر چهار مرحله توصیف، تفسیر، هم‌جواری و مقایسه بود. دانشگاه‌های مورد نظر نیز، سه دانشگاه فناوری سیدنی، منچستر و کالیفرنیا سانفرانسیسکو بودند [۱۴-۱۲]. علت انتخاب این سه دانشگاه از میان ده دانشگاه برتر جهان، انطباق به طور نسبی بیشتر اجزای برنامه‌های درسی دوره کارشناسی پرستاری در این دانشگاه‌ها با الگوی طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی Frank و همکاران و گام‌های مصرح در آن بود [۱۵]. به منظور تحقق مراحل اول و دوم این الگو، ضمن گردآوری و توصیف اطلاعات مورد نیاز از دانشگاه‌های مورد مطالعه، محتوای برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری در ایران و سه دانشگاه مورد نظر، به صورت مجزا، مورد تجزیه و تحلیل و تفسیر قرار گرفت. سپس اطلاعاتی که از مرحله یک و دو به دست آمده بود، برای ایجاد چارچوبی برای مقایسه، طبقه‌بندی و در کنار هم قرار داده شد. در مرحله مقایسه و تطبیق نیز مقوله‌های تدوین شده در مرحله قبل به لحاظ تشابهات و تفاوت‌ها، با هم مقایسه و تحلیل شدند.

افزون بر این، با توجه به نتایج پژوهش ریاضی و همکاران، دانشگاه فناوری سیدنی، از لحاظ طراحی برنامه درسی و طرح دوره همچنین قابلیت دسترسی به جزئیات شقوق مختلف برنامه درسی از طریق وب‌سایت این دانشگاه، از وضعیت بهتری نسبت به سایر ده دانشگاه برتر جهان برخوردار بود [۱۶]. به همین دلیل کاوش بیشتر در جزئیات برنامه درسی و وضعیت موجود هر یک از دروس این رشته-مقطع در آن دانشگاه، مد نظر قرار گرفت.

یافته‌ها

با توجه به یافته‌های حاصل از مرحله نیازسنجی، نیازها در هشت محور اصلی قابل دسته‌بندی هستند. محورهای استخراج‌شده عبارتند از: «شایستگی‌های دانشجویان»، «محتوا»، «سازمان‌دهی محتوا»، «روش‌های آموزشی و تجارب یادگیری»، «ارزیابی دانشجو»، «زمان»، «نیازهای جامعه» و «کلیت برنامه درسی»؛ که در هر محور نیز، موضوعات مهم‌تر به تفکیک مشخص شده و در مجموع ۳۵ گزاره به عنوان شکاف و نیاز اصلی در برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری، لحاظ گردید. عناوین این محورها و گزاره‌های ذیل هر کدام، به طور خلاصه، در (جدول ۱)، آرایه شده است.

همچنین یافته‌های حاصل از مطالعه تطبیقی ضمن مرور وجوه اشتراک و افتراق برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری در ایران و سه دانشگاه انتخاب شده، حاکی از تمرکز این سه برنامه درسی بر

کارشناسی پرستاری در ایران آگاه شده، سپس در مسیری تحلیلی و در تطبیق برنامه درسی ایرانی با برنامه‌های درسی دوره مشابه در برخی دانشگاه‌های برتر جهان، پیش‌درآمدی منطقی را برای طراحی الگوی مناسب مبتنی بر شایستگی، رقم زدند.

بر این اساس، هدف از انجام این مطالعه، بررسی شکاف‌ها و نیازهای موجود در برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری در ایران به عنوان پیش‌درآمدی برای طراحی الگوی مناسب مبتنی بر شایستگی برای برنامه درسی این رشته‌مقطع بود.

مواد و روش کار

در مرحله نخست، با بهره‌مندی از نظرات صاحب‌نظران حوزه آموزش پرستاری، طی سه دور دلفی، نیازها و شکاف‌های موجود در برنامه درسی این دوره، استخراج گردید. منظور از صاحب‌نظران در این پژوهش (جامعه پژوهش)، مسؤولان حوزه آموزش پرستاری اعم از معاون آموزشی، مدیر دفتر توسعه آموزش، مدیر دفتر برنامه-ریزی آموزشی و مدیران گروه‌های آموزشی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران می‌باشد. روش نمونه‌گیری نیز سرشماری و شامل تمامی مسؤولان حوزه آموزش این دانشکده بود. در این مرحله از پژوهش، با ارسال پرسشنامه ساده‌ای از مشارکت-کنندگان، درخواست گردید تا شکاف‌ها و نیازهای موجود در برنامه درسی در حال اجرا را ذکر نمایند. پس از دریافت پرسشنامه‌های تکمیل شده و تجزیه و تحلیل پاسخ‌ها، نظرات جمع‌بندی شده و فهرستی از شکاف‌ها و نیازها تدوین گشت. فهرست تهیه شده، مجدداً برای هر یک از شرکت‌کنندگان ارسال و از آنها درخواست گردید، بر حسب اهمیت نسبی، نیازها را اولویت‌بندی نمایند و در صورت عدم موافقت با هر یک از موارد، عبارت «موافق نیستم» را در خانه مربوط به اولویت درج کنند. پس از چینش مجدد نیازها بر حسب اولویت‌های تعیین شده، فهرست جدیدی آماده شد که بار دیگر برای صاحب‌نظران مورد نظر، ارسال گردید. بعد از اخذ مجدد نظرات، توافق نسبی درباره موارد نیازها حاصل گردید و فهرست موارد توافقی از شکاف‌ها و نیازهای برنامه درسی در حال اجرای دوره کارشناسی پرستاری، شکل گرفت (جدول ۱). سپس در ادامه پژوهش، به منظور دستیابی به اطلاعات جهانی و امکان تطبیق و مقایسه وضعیت موجود برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری در ایران با برنامه‌های درسی همین دوره در حداقل سه دانشگاه برتر جهان بر اساس رتبه‌بندی QS، با استفاده از الگوی بردی، این امر متحقق و برنامه‌های درسی مقایسه و تحلیل گردید. این الگو

تغییر منبع اخذ اطلاعات بدون راستی آزمایی و سنجیدن صحت آنها نیز یکی از نقصان‌های مطرح شده در این پژوهش بود که از دغدغه صاحب‌نظران در خصوص منابع اخذ اطلاعات دانشجویان، حکایت می‌نمود. بر طبق نظرات اعلام شده در این مطالعه، منابع اطلاعاتی دانشجویان بیشتر به رسانه‌های اجتماعی و سایت‌های اینترنتی محدود شده است؛ در حالی که آنها هیچ‌گونه تلاشی برای راستی آزمایی و سنجیدن صحت اطلاعات، از خود نشان نمی‌دهند و در عین حال به متون و کتب مرجع هم مراجعه نمی‌کنند. همین امر موجب شده که به دلیل به‌روز نبودن اطلاعات و دانش محدود، در ارایه مراقبت متناسب با نیاز بیماران، دچار مشکل شوند. نیاز به پیش‌بینی حوزه شایستگی در خصوص «فناوری و مدیریت اطلاعات» و توجه به تمامی ابعاد این شایستگی اعم از دانش، نگرش و مهارت، در ارتباط با این شکاف، مطرح گردید. این شکاف‌ها و نیازها، در قالب ۶ گزاره، ارایه شده بودند.

این در حالی است که پس از استخراج وجوه اشتراک و افتراق برنامه درسی ایران و سه دانشگاه منتخب، نکات قابل توجهی در خصوص هر یک از مؤلفه‌های مورد نظر در این بخش از مطالعه به دست آمد. در هر سه دانشگاه فناوری سیدنی، منچستر و کالیفرنیا سانفرانسیسکو، شایستگی‌ها با توجه به کلیه ابعاد شایستگی اعم از دانش، مهارت و نگرش طراحی و در قالبی مناسب و به طور واضح و صریح تدوین گشته‌اند. در حالی که در برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری در ایران، تنها به ذکر عناوین توانمندی‌های عمومی مورد انتظار بسنده شده است؛ بدون این که به ابعاد دانشی، نگرشی و مهارتی آنها، اشاره شده باشد. نظرات صاحب‌نظران در مرحله نیازسنجی نیز مؤید همین موضوع است؛ به گونه‌ای که یکی از دلایل عدم اعتماد به نفس دانشجویان برای کار مستقل در کارورزی‌ها، عدم امکان کسب شایستگی‌های لازم برای ارایه مراقبت علمی-تخصصی است. افزون بر این، در برنامه درسی ایران، به بسیاری از شایستگی‌های مهم پیش‌بینی شده در برنامه‌های درسی این سه دانشگاه، پرداخته نشده است. برای مثال، شایستگی‌های «توانایی به‌کارگیری فناوری مراقبت سلامت و سواد اطلاعاتی»، «طراحی، هماهنگی، اجرا و ارزشیابی مراقبت متناسب با گروه‌های جمعیتی مختلف با استفاده از راهبردهای پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالثیه در محیط‌های گوناگون»، «آشنایی با راهبردهای جستجو و بازیابی اطلاعات» و «بازاندیشی و خودارزیابی» که در برنامه درسی دانشگاه کالیفرنیا سانفرانسیسکو، لحاظ شده است.

روی دروس تخصصی حوزه پرستاری همچنین بعد مراقبتی آن و پرهیز از نگاه پزشکی در طراحی برنامه درسی و هر یک از دروس، استفاده از روش‌های نوین آموزشی و تجربیات یادگیری فراگیر محور، توجه خاص به عنصر ارزیابی دانشجو و استفاده از بعد سازندگی آن در ارتقای شایستگی‌ها و به عبارتی ارزیابی دانشجو برای یادگیری نه یادگیری برای ارزیابی بود که با بسیاری از یافته‌های مرحله نیازسنجی، هم‌خوانی در خور تأمل دارد.

گزاره‌های ذیل هر یک از محورهای استخراج شده در نیازسنجی همچنین یافته‌های مرحله تطبیقی و جزئیات قابل توجه با عنایت به هدف مطالعه (در ادامه، با تلفیق یافته‌های دو مرحله پژوهش)، به شرح زیر هستند:

شایستگی‌های دانشجویان: شرکت کنندگان در این پژوهش، ضمن اشاره به اهمیت تعریف و تبیین دقیق شایستگی‌ها و شاخص‌های مرتبط با آنها، به این نکته اشاره نمودند که در شرایط فعلی، شایستگی‌های مورد نظر برای دانش‌آموختگان دوره کارشناسی پرستاری، با توجه به نیازهای جامعه و با رعایت چارچوب علمی تدوین شایستگی‌ها، طراحی نشده و به تبع آن، دانشجویان به شایستگی‌ها و آمادگی لازم برای ارایه مراقبت علمی-تخصصی مطابق فرآیند پرستاری، دست نمی‌یابند؛ این موضوع، در هنگام گذراندن واحد کارورزی در عرصه در ترم هشتم، بیش از پیش، مشهود بوده و نیاز به پیش‌بینی راهکارهایی برای غلبه بر این چالش، ضروری به نظر می‌رسد. صاحب‌نظران شرکت‌کننده در این پژوهش بر این باورند که پیش‌بینی شیفت‌های کارورزی عصر و یا شب به صورت اختیاری به ویژه در سال آخر برنامه می‌تواند در ارتقای شایستگی‌های عملکردی و بالینی دانشجویان پرستاری، تأثیرگذار باشد. همچنین بر طبق این نظرات، پیش‌بینی کارورزی-های خارج از وقت معمول و انتخابی با توجه به فیلد مورد علاقه دانشجویان در ترم هشتم نیز می‌تواند ارتقای «شایستگی‌های دانشجویان» را تسهیل نماید. نگاه حاشیه‌ای به شایستگی‌های برقراری ارتباطات اثربخش حرفه‌ای، مدیریت صحیح حرفه‌ای و حل مشکلات کاری، معضل دیگری بود که در این مطالعه، در ارتباط با برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری مطرح گردید. شرکت‌کنندگان، اختصاص زمان و واحد بسیار اندک به این گونه دروس را یکی از نشانه‌های این نگاه حاشیه‌ای دانسته و پیشنهاد دادند واحدهای علوم انسانی مرتبط با این گونه شایستگی‌های ضروری دانش‌آموختگان، در حد مقدمات، در برنامه درسی لحاظ گردد.

ترجیحا مربی پرستاران مقیم در بیمارستان برای کارورزی دانشجویان، برجسته‌ترین پیشنهادات ذیل این گزاره، برای رفع مشکل و ارتقای وضعیت موجود بودند.

در انطباق با یافته‌های مطالعه تطبیقی و با توجه به قابلیت دسترسی به جزئیات شقوق مختلف برنامه درسی در دانشگاه فناوری سیدنی و ایران، پس از مرور وضعیت محتوای دروس در این دو دانشگاه، می‌توان به این نکته اشاره نمود که عناوین و توصیف دروس دوره کارشناسی پرستاری در هر دو دانشگاه، حاکی از تمرکز این برنامه‌ها بر روی دروس تخصصی حوزه پرستاری همچنین بعد مراقبتی آن است. در تحلیل محتوای توصیف هر یک از دروس در دانشگاه فناوری سیدنی، تعداد ۴۰ واژه «مراقبت»، ۳۷ واژه «پرستاری و پرستار»، ۴۴ واژه «سلامت» که به طور اخص به حوزه پرستاری دلالت دارند، استخراج گردید. این در حالی است که در این تحلیل محتوا، واژه «پزشکی» تنها یک بار به کار رفته است. همچنین در تحلیل محتوای بخش شرح درس هر یک از دروس برنامه درسی ایرانی، تعداد ۴۰ واژه «مراقبت»، ۸۴ واژه «پرستاری و پرستار»، ۳۵ واژه «سلامت» و ۳ واژه «پزشکی» مشاهده می‌شود. در واقع با عنایت به تحلیل محتوای توصیف دروس، در هر دو برنامه درسی، نگاه پزشکی در تدوین توصیف دروس، حاکم نبوده و رویکرد پرستاری به‌ویژه در برنامه درسی در حال اجرا در کشورمان، بارز است. نکته قابل توجه این است که نتایج تحلیل محتوای شرح درس هر یک از دروس برنامه درسی ایرانی، با یافته‌های حاصل از نیازسنجی تطابق چندانی ندارد. یافته‌های نیازسنجی حاکی از حاکم بودن نگاه پزشکی در دروس علوم پایه و نیاز به اتخاذ رویکرد و نگاه پرستاری در طراحی و تدریس این گونه دروس، است. برای مثال بنا به این نتایج، یکی از دروس نیازمند بازنگری، درس داروشناسی است؛ که اتخاذ رویکرد پرستاری برای این درس و ارایه آن به صورت آشنایی دانشجویان با شرایط نگهداری و کاربرد داروها، مراقبت‌های دارویی ناشی از مصرف بیش از حد (overdose) و پیش‌بینی کارآموزی در داروخانه‌ها و یا فضایی مثل داروخانه، می‌تواند در رفع معضلات موجود، راهگشا باشد. تفاوت یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای شرح درس برخی دروس با نتایج نیازسنجی، می‌تواند نشأت گرفته از نحوه اجرای برنامه درسی و عوامل مختلف دخیل در آن اعم از انتخاب استادان، محتوای ارایه شده، فضاهای آموزشی و باشد؛ هر چند که علت‌یابی این موضوع، مستلزم طراحی پژوهشی مستقل و ارایه شواهد متقن است.

محتوا: با توجه به نظرات صاحب‌نظران، شکاف‌ها در محور محتوا، در قالب هشت گزاره، استخراج شدند که در جدول ۱ منعکس شده‌اند. در خصوص شکاف «وجود شایستگی‌ها و محتوای دارای همپوشانی در دروس مختلف» برای مثال در مورد درس «پرستاری کودک سالم»، سندرم مرگ ناگهانی شیرخوار و آپنه با درس بهداشت مادر و نوزادان، مباحث مرتبط با بیماری‌های عفونی مانند آبله مرغان و... با درس بیماری‌های عفونی، مبحث بیماری‌های انگلی روده، با دروس انگل‌شناسی و پرستاری سلامت جامعه همپوشانی دارند. همچنین در مورد شکاف «عدم تناسب محتوای برخی دروس با واحد اختصاص یافته به آنها»، برای مثال در درس «پرستاری سلامت جامعه»، تعداد واحدهای نظری برای بیان اهداف و ارایه دروس کفایت نمی‌کند. فشرده بودن مطالب در جلسات کمتر باعث می‌شود تا مدرس مطالب را به صورت کلی بیان کند و فرصت پرداختن به برخی جزئیات مهم کم شود. کاهش تعداد واحد دروس نظری و ارایه در زمان کوتاه با حجم زیاد مطلب، باعث می‌شود تا مدرس بیشتر ساعات کلاس را به تدریس (به ویژه به روش سخنرانی) اختصاص دهد و مشارکت فعال دانشجو و تمرکز وی بر مطالب مهم کاهش یابد. و یا به عنوان مثالی دیگر می‌توان به درس «پرستاری بیماری‌های کودکان» اشاره نمود که با توجه به حجم بالای عناوین مباحث، تعداد واحد فعلی، کفایت نمی‌کند؛ همچنین برای «کارورزی در عرصه پرستاری بیماری‌های کودکان»، ۲ واحد در نظر گرفته شده با حجم بالای عناوین مطرح شده در کلاس، دانشجو فرصت کافی جهت مشاهده بیماری‌های مختلف را پیدا نمی‌کند.

در مورد گزاره «مشخص نبودن شایستگی‌ها و محتوای آموزشی کارگاه‌های تعریف شده در برنامه درسی»، عدم وجود راهنما برای اجرای این کارگاه‌ها و به تبع آن مشخص نبودن هیچ یک از عناصر اساسی این کارگاه‌ها، معضلی است که از سوی شرکت‌کنندگان در ذیل این گزاره، مطرح شده است. در مورد شکاف «حاکم بودن نگاه پزشکی در طراحی دروس علوم پایه» نیز، صاحب‌نظران بر اتخاذ رویکرد و نگاه پرستاری در طراحی و تدریس این گونه دروس، تأکید نمودند.

سازمان‌دهی محتوا: با توجه به نظرات شرکت‌کنندگان در این پژوهش، شکاف‌ها در این محور، در قالب شش گزاره، استخراج شدند. یکی از شکاف‌های مطرح شده، «عدم رضایت دانشجویان از کارآموزی‌ها و وجود مشکل در نوع برنامه‌ریزی برای کارآموزی‌های بخش‌های پایه»، بود که در این میان تصحیح نحوه زمان‌بندی کارآموزی‌ها و نیاز به به‌کارگیری مدرسان دارای تبحر بالینی بیشتر

در برنامه درسی رشته پرستاری در این دانشگاه معتبر، پیش‌بینی شده‌اند. همچنین تجارب یادگیری در این دانشگاه، به دو دسته فعالیت تقسیم می‌شود که با توجه به تمرکز بیشتر بر چند نکته اساسی از جمله نگاه جهانی و تمرکز بر فعالیت‌های بین‌المللی و تعاملات جهانی و فرهنگی، همچنین یادگیری تلفیقی و الهام‌گرفته از پژوهش و تأکید بر یادگیری بر خط و فعالیت‌های یادگیری مشارکتی چهره به چهره، سخنرانی‌ها، آزمایشگاه‌ها و استودیوهای بر خط، آن را از وضعیت موجود در برنامه درسی ایران متمایز ساخته است. مجموعه‌ای از تجارب یادگیری درون دانشگاهی و برون دانشگاهی، در شکل‌گیری شایستگی‌های دانشجویان پرستاری در این دانشگاه، تأثیرگذارند. تجارب نظیر یادگیری همراه با پژوهش و بهره‌مندی از فناوری‌های پیشرفته برای آماده‌سازی دانش‌آموختگان برای یادگیری مادام‌العمر، سخنرانی‌های اصلی همراه با نظارت و ارایه مشاوره در خصوص روند آموزش دانشجویان، آزمایشگاه‌های ساختاریافته، استودیوهای انفرادی بر خط و فعالیت‌های یادگیری مشارکتی چهره به چهره همچنین مشارکت در تجارب «زندگی واقعی» از جمله کارایی و پروژه‌های اجتماعی و سایر فعالیت‌ها، درگیر شدن با پادکست، مطالب بر خط، نمایش فیلم‌ها، یوتیوب، رسانه‌های اجتماعی، پیش‌مطالعه، مشاوره‌های بر خط، کار گروهی، انجام تکالیف و انجام پژوهش نمونه‌ای از آنها هستند. در دوره سه ساله کارشناسی پرستاری در دانشگاه منچستر نیز، ترکیبی از سمینارها و جلسات عملی و مطالعات مستقل برای آموزش به دانشجویان به کار می‌رود و نیمی از یادگیری دروس در کلاس درس و نیمی دیگر در محیط‌های بالینی و اجتماعی، صورت می‌پذیرد.

ارزیابی دانشجو: در مجموع سه گزاره مرتبط با شکاف در محور ارزیابی دانشجو استخراج گردید (جدول ۱).

با توجه به یافته‌های مطالعه تطبیقی، نکته قابل توجه در مقایسه وضعیت موجود در ایران با دانشگاه فناوری سیدنی، نوع نگاه به مقوله ارزیابی دانشجو در این دو دانشگاه است. در حالی که در ایران، فرآیند ارزیابی همچون سال‌های پیش همچنان بیشتر بر تعیین وضعیت دانشجو برای گذراندن مرحله‌ای از آموزش و ارتقا به مرحله بعدی متمرکز است، در دانشگاه تکنولوژی سیدنی، ارتقای ویژگی‌های دانش‌آموخته و استفاده از نتایج ارزیابی برای یادگیری و در واقع بعد سازندگی ارزیابی دانشجو، مطرح است. در دانشگاه فناوری سیدنی، وظایف معتبری برای ارزیابی پیش‌بینی شده‌اند که ویژگی‌های دانش‌آموخته را ارتقا می‌دهند. بهره‌مندی از بازخورد

روش‌های آموزشی و تجربیات یادگیری: بر اساس نظرات شرکت کنندگان، پنج گزاره در ذیل این محور، استخراج گردید. در خصوص شکاف «کاهش استفاده از راهبردهای آموزشی دانشجو محور»، بر نیاز به استفاده از راهبردهای تلفیقی، تأکید گردید. در ذیل گزاره «شیوع استفاده از روش آموزشی سخنرانی»، توجه به نیازهای نسل جدید پیش رو مورد تأکید قرار گرفته و توصیه شده که بخشی از روش‌های تدریس شده در کلاس، در skill lab اجرا و توسط دانشجویان تمرین شود. «عدم روزآمدی روش‌های آموزشی» یکی دیگر از گزاره‌های مطرح شده در ذیل این محور بود که نیاز به استفاده از روش‌های نوین یاددهی و یادگیری مانند شیوه‌های «آموزش مجازی و راه دور»، «شبیه‌سازی»، «درگیر شدن با پادکست»، «روش‌های یادگیری مبتنی بر رایانه»، «یادگیری مبتنی بر گوشی همراه»، «یادگیری اکتشافی»، «یفای نقش» و «آموزش مبتنی بر سناریو»، از جمله موارد مطرح شده در ارتباط با این گزاره بودند. در خصوص «مشخص نبودن نحوه اجرای بعضی از دروس عملی و کارورزی»، «کارآموزی داروشناسی بالینی» به عنوان یکی از مصادیق مطرح گردید که در برنامه آموزشی، هیچ راهنمایی برای این کارآموزی وجود ندارد. همچنین به منظور آموزش بهینه بسیاری از شایستگی‌ها از جمله حرفه‌ای‌گری و مهارت‌های ارتباطی، استفاده از روش‌های آموزشی نوین از جمله طراحی نقش مطرح گردید.

در تحلیل شکاف‌های موجود در ارتباط با محورهای اصلی مطرح‌شده، صاحب‌نظران شرکت‌کننده در این پژوهش، به این نکته قائل بودند که فقدان و یا نقصان شایستگی‌های مورد انتظار در دانش‌آموختگان، علاوه بر عدم تعریف دقیق شایستگی‌ها، با وجود مشکلاتی در سایر عناصر برنامه درسی اعم از محتوای دروس و نحوه سازمان‌دهی آنها، عدم روزآمدی روش‌های آموزشی و تجارب یادگیری همچنین روش‌های ارزیابی دانشجو، مرتبط است. در همین ارتباط و در انطباق با یافته‌های مطالعه تطبیقی، در دانشگاه فناوری سیدنی، راهبردها و روش‌های آموزشی کاملاً متفاوت از راهبردها و روش‌های آموزشی مورد نظر در برنامه درسی ایران هستند. راهبردهایی نظیر یادگیری عمل‌گرا (practice-oriented learning) و یادگیری درهم‌تنیده با کار (work-integrated learning) و روش‌های آموزشی نظیر جلسات پژوهشی مبتنی بر سناریو، یادگیری تجربی مبتنی بر آزمایشگاه و استفاده از شبیه‌سازها، نمونه‌هایی از راهبردها و روش‌های نوین آموزشی هستند که

در بررسی تطبیقی این برنامه درسی با برنامه درسی دانشگاه فناوری سیدنی می‌توان به این نکات اشاره نمود که دوره کارشناسی پرستاری در دانشگاه فناوری سیدنی، به دو صورت تمام‌وقت (سه ساله) و پاره‌وقت (شش ساله) ارائه می‌شود و مرکب از دروسی شامل نظریه‌های پرستاری، علوم و عملکرد بالینی در حوزه‌های خدمات سلامت است. دانشجویان تجارب حرفه‌ای خود را در محیط‌های مراقبت سلامت و اجتماعی متنوعی کسب می‌کنند. علاوه بر محیط‌های بالینی، بخشی از زمان دانشجویان به فعالیت در آزمایشگاه‌های عملکرد بالینی که با توجه به محیط‌های بالینی شبیه‌سازی شده‌اند، اختصاص داده شده است.

شیفت‌ها شامل صبح و عصر می‌شود و در سال آخر ممکن است در برخی موارد، شیفت شب موظف هم پیش‌بینی شود. سال آخر به برنامه طولانی مدت تجربه بالینی، اختصاص دارد. این در حالی است که بر طبق برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری در ایران، دانشجویان در طول ۴ سال (۸ ترم) تحصیلی، در ۳ سال اول دروس عمومی پایه، تخصصی و کارآموزی را به شکل نظری، عملی و کارآموزی و در سال چهارم به صورت کارآموزی در عرصه به شکل شیفت در گردش (صبح، عصر و شب) می‌گذرانند؛ اما نکته قابل توجه این است که بر اساس اطلاعات به دست آمده در فرآیند نیازسنجی، با توجه به مهیا نبودن بستر مناسب برای اجرای شیفت-های شب، در حال حاضر در کارآموزی در عرصه، شیفت شب وجود ندارد.

استادان و هم‌کلاسی‌ها، تعیین معیار و بحث در مورد معیارها، خودارزیابی و بازاندیشی، مصادیقی از رویکرد مورد نظر در طراحی و اجرای فرآیند ارزیابی دانشجو در این دانشگاه است که به‌رغم تلاش-های صورت پذیرفته در سال‌های اخیر در کشورمان برای ایجاد تحول در امر ارزیابی دانشجو، با روند مورد نظر در ایران، متفاوت است.

زمان: با عنایت به نظرات مأخوذه و در توصیف تنها گزاره مستخرج در ذیل این محور، نکات مطرح‌شده حاکی از این بود که در بسیاری از موارد، سرفصل دروس در این برنامه نسبت به برنامه درسی قبلی این دوره، بدون تغییر باقی مانده و ساعات تدریس آن کم شده است؛ به این ترتیب، احتمال افت شدید آموزشی به عنوان یک تهدید عمده، برای این برنامه آموزشی مطرح می‌شود. از جمله دروس مبتلا به این معضل، دروس علوم پایه است که برای مثال می‌توان به دروس بیوشیمی و ایمونولوژی اشاره نمود که با توجه به الزام ارائه مباحث زیاد بر طبق سرفصل، تعداد واحد و به تبع آن، میزان ساعات اختصاص یافته، کم است.

نیازهای جامعه: در مجموع سه گزاره مرتبط با شکاف‌ها در محور «نیازهای جامعه»، استخراج گردید (جدول ۱).

کلیت برنامه درسی: در مجموع سه گزاره مرتبط با این محور، استخراج گردید. ماهر نبودن دانش‌آموخته محصول برنامه درسی فعلی و ایجاد دلسردی در بسیاری از دانشجویان به جای ایجاد انگیزه در آنان، از معضلات مهم مطرح شده بودند که از نظر صاحب‌نظران، یکی از عوامل موجد این مشکلات، ساختار و ماهیت برنامه درسی در حال اجرا است.

جدول ۱: محورها و گزاره‌های مرتبط با شکاف‌های موجود در برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری از دیدگاه صاحب‌نظران

ردیف	محور اصلی	گزاره‌های مرتبط با شکاف‌ها
۱	شایستگی‌های دانشجویان	عدم تعریف دقیق شایستگی‌ها و شاخص‌های مرتبط ویژه هر درس عدم امکان کسب شایستگی‌های لازم برای ارائه مراقبت علمی-تخصصی مطابق فرایند پرستاری نگاه حاشیه‌ای به شایستگی‌های برقراری ارتباطات اثربخش حرفه‌ای و مدیریت صحیح حرفه‌ای بی توجهی به تفکر انتقادی و خلاق در دانشجویان عدم ارتباط میان آموخته‌ها با شایستگی‌های مورد نیاز برای انجام مسؤولیت حرفه‌ای دانشجویان در آینده
۲	محتوا	تغییر منبع اخذ اطلاعات بدون راستی آزمایی و سنجیدن صحت اطلاعات وجود شایستگی‌ها و محتوای دارای همپوشانی در دروس مختلف عدم ارتباط گویا و شفاف عناوین مباحث با محتوای ارائه شده در برخی دروس حجیم بودن برنامه درسی به دلیل وجود دروس متعدد و غیر ضروری عدم تناسب محتوای برخی دروس با واحد اختصاص یافته به آن درس مشخص نبودن شایستگی‌ها و محتوای آموزشی کارگاه‌های تعریف شده در برنامه درسی تاکید زیاد بر آموزش نظری در مقایسه با آموزش بالین کاربردی نبودن برخی محتواها و نیاز به بومی‌سازی محتوا حاکم بودن نگاه پزشکی در طراحی دروس علوم پایه
۳	سازمان‌دهی محتوا	عدم ارتباط مناسب میان محتوای ارائه شده دروس مختلف در یک ترم

ردیف	محور اصلی	گزاره‌های مرتبط با شکاف‌ها
		عدم ارتباط مناسب میان محتوای ارائه شده در دروس پیش نیاز و سایر دروس و مباحث پیشرفته در ترم‌های مختلف عدم ارتباط مناسب میان دروس علوم پایه با دروس تخصصی و کارورزی عدم انسجام و یکپارچگی محتوای آموزشی ارائه شده در ترم‌های مختلف برگزاری هم‌زمان کلاس‌های نظری با کارورزی پیش از کسب شایستگی‌های ضروری برای حضور در بالین عدم رضایت دانشجویان از کارآموزی‌ها و وجود مشکل در نوع برنامه‌ریزی برای کارآموزی‌های بخش‌های پایه کاهش استفاده از راهبردهای آموزشی دانشجو محور شیوع استفاده از روش آموزشی سخنرانی به عنوان روش غالب عدم روزآمدی روش‌های آموزشی مشخص نبودن نحوه اجرای بعضی از دروس عملی و کارورزی در برنامه درسی وجود مشکل در آموزش بسیاری از شایستگی‌ها از جمله حرفه‌ای‌گری و مهارت‌های ارتباطی عدم توجه کافی به ارزیابی مستمر (تکوینی یا سازنده) دانشجویان و تمرکز بیشتر بر ارزیابی پایانی مناسب نبودن ابزارهای ارزیابی برای ارزیابی شایستگی‌های بالینی عدم روزآمدی روش‌های ارزیابی دانشجو
۴	روش‌های آموزشی و تجربیات یادگیری	عدم تناسب حجم محتوای آموزشی ویژه هر درس با زمان اختصاص یافته به آن (حجم زیاد محتوا و کمبود زمان) اقتباس برنامه درسی از کشورهای دیگر بالاخص آمریکا
۵	ارزیابی دانشجو	عدم ارتباط محتوای تنظیم شده با نیازهای جامعه یا مسائل رایج جامعه (عدم روزآمدسازی بر اساس نیازهای کنونی جامعه ایرانی) محروم بودن بیماران از تخصص پرستاران در جامعه و از بین رفتن تداوم مراقبت با ترخیص بیمار از بخش
۶	زمان	درد اصلی در برنامه‌ریزی درسی: ماهر نبودن پرستاران محصول برنامه درسی فعلی عدم موفقیت برنامه درسی در ایجاد انگیزه در دانشجویان عدم رضایتمندی کلی اعضای هیأت علمی از برنامه درسی
۷	نیازهای جامعه	
۸	کلیت برنامه درسی	

بحث و نتیجه‌گیری

ویژگی‌های مترتب بر آن، به بررسی و مقایسه اجزا و عناصر برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری در سه دانشگاه برتر جهان بر اساس رتبه‌بندی QS با برنامه درسی در حال اجرای همین دوره در ایران، بپردازد؛ تا به این طریق بتواند با کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های احتمالی، فاصله میان وضعیت موجود در کشور را با وضعیت مطلوب جهانی، تبیین نماید. به این ترتیب، یافته‌های این پژوهش می‌تواند بستری مناسب را برای ایجاد تغییرات به‌هنگام فراهم آورده و به عنوان پیش‌درآمدی منطقی برای هر گونه تصمیم‌گیری در آینده، محسوب شود.

یافته‌های این پژوهش، بیانگر دغدغه اصلی شرکت‌کنندگان در مطالعه در خصوص عدم مهارت کافی دانش‌آموختگان دوره کارشناسی پرستاری است. آنها معتقدند که به رغم تلاش مسؤولان و دست‌اندرکاران امر آموزش پرستاری، برنامه درسی به گونه‌ای نیست که بتواند در دانشجویان، انگیزه ایجاد کند و دانش‌آموختگان را به درک و نگرش و مهارت لازم در خصوص حرفه خود، برساند. در واقع، محوریت حجم زیاد محتوا و لزوم انتقال آن به دانشجویان به جای محوریت شایستگی در برنامه درسی و دستیابی دانشجویان

برنامه درسی دوره کارشناسی رشته پرستاری نقش به‌سزایی را در تربیت پرستاران شایسته ایفا می‌نماید؛ به‌گونه‌ای که قادر باشند تغییرات مثبتی را در فرآیند مراقبت از بیماران و بهبود کیفیت زندگی آحاد جامعه ایفا نمایند. کشورهای مختلف، روش‌های متفاوتی را در آموزش پرستاری اتخاذ می‌نمایند که به نظر می‌رسد این موضوع ریشه در سنت‌های اجتماعی و به تبع آن مراجعان و مخاطبان خدمات پرستاری داشته باشد. مطالعه و مقایسه سیستم‌های آموزشی مختلف، می‌تواند به عنوان یکی از مبناهای با ارزش برای اعمال تغییرات ضروری متناسب با تغییرات جهانی باشد؛ ضمن این که فاصله میان وضعیت مطلوب با وضع موجود در کشور را آشکار نموده و بستری مناسب را برای بهبود کیفیت برنامه درسی داخلی، فراهم نماید. این مطالعه در صدد بوده است با بهره‌مندی از نظرات مدیران و مسؤولان حوزه آموزش دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران و در قالب سه راند دلفی، به نیازها و شکاف‌های موجود در برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری در ایران، پی برده و ضمن ملحوظ نمودن رویکرد مبتنی بر شایستگی و

برای مثال، Smith و همکاران با هدف ارزیابی وضعیت موجود کیفیت و ایمنی در آموزش پرستاری و تعیین سطوح تلفیق محتوای کیفیت و ایمنی در برنامه‌های درسی دوره کارشناسی پرستاری، پروژه‌ای پژوهشی را طراحی و اجرا نمودند. در این پیمایش، نظرات ۱۹۵ تن از مدیران برنامه‌های درسی پرستاری در ارتباط با ارتقای شایستگی‌های دانشجویان در ۶ حیطه مرتبط با کیفیت و ایمنی، اخذ گردید. حیطه‌های مورد نظر عبارت بودند از: مراقبت بیمار محور، کار گروهی و همکاری، عملکرد مبتنی بر شواهد، بهبود کیفیت، ایمنی و انفورماتیک. با توجه به تعاریف شایستگی به عنوان تنها منبع این پژوهش، پاسخ‌دهندگان به این نکته اذعان داشتند که محتوای مرتبط با کیفیت و ایمنی در برنامه‌های درسی در حال اجرا، دیده می‌شود و در مجموع، از روند ارتقای شایستگی‌های مورد نظر برای دانشجویان، رضایت داشتند. در سال ۲۰۰۵، McNeil، Elfrink و همکاران گزارشی از تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی حاصل از پژوهشی در خصوص «بررسی برنامه درسی دوره‌های کارشناسی ارشد پرستاری» را ارائه نمودند. پژوهشگران، با استفاده از روش‌های تقریباً یکسان با نظرسنجی در خصوص کیفیت و ایمنی در آموزش پرستاری QSEN، در خصوص دانش و مهارت‌های مورد نظر در این دوره‌ها به ویژه محتوای مرتبط با فناوری اطلاعات همچنین میزان آمادگی اعضای هیأت علمی برای آموزش دانش و مهارت‌های فناوری اطلاعات، بررسی و تفحص نمودند. در نهایت به این یافته مهم دست یافتند که برنامه‌های پرستاری بر مهارت‌های مرتبط با سواد رایانه‌ای بیشتر از مهارت‌های مرتبط با سواد فناوری اطلاعات، تأکید می‌نمایند. همچنین این گروه از پژوهشگران، تصدیق کردند که دانشجویان فاقد دانش اساسی در مورد مدیریت اطلاعات هستند و اکثریت دانشکده‌ها نیز دچار مشکل فقدان منابع و محیط‌های بالینی حمایت از فناوری‌های پیشرفته مدیریت اطلاعات هستند. به طور کلی، نظرات، عدم شفافیت دانشکده‌های پرستاری در مورد محتوای ضروری فناوری اطلاعات و چگونگی ادغام مؤثر این مطالب در برنامه درسی پرستاری را تأیید می‌کردند. همچنین از نقاط ضعف موجود می‌توان به ناکافی بودن مهارت اعضای هیأت علمی برای آموزش برخی از شایستگی‌های ضروری از جمله این شایستگی، اشاره نمود [۲۰].

یافته‌های حاصل از مرحله نیازسنجی مطالعه حاضر نیز حاکی از

به سطح عملکردی قابل قبول، به عنوان معضلی اساسی، مطرح است. این در حالی است که مطالعات مختلف بومی و مشاهدات نیز نشان می‌دهند رسیدن به شایستگی بالینی مطلوب برای ایفای نقش - های پرستاری پس از دانش آموخته شدن، یکی از چالش‌های نظام آموزش پرستاری است. بر طبق این مطالعات، موانع و مشکلات متعددی، دستیابی به اهداف کارآموزی در عرصه و کسب مهارت‌های بالینی لازم در دوره کارشناسی را با چالش مواجه کرده‌اند که برخی از آنها عبارتند از: عدم ادغام آموزش پرستاری و ارائه خدمات پرستاری مانند الگوی ادغام آموزش پزشکی و درمان، عدم تطابق کافی برنامه - های آموزش بالینی دانشکده‌ها با روند ارائه مراقبت‌های بالینی مراکز و استاندارد نبودن کیفیت خدمات بالینی در مراکز [۱۷].

در این میان، بر اساس مطالعه Harris و همکاران، آموزش مبتنی بر شایستگی، ساختار سازمان یافته‌ای را برای یادگیری ارائه می - نماید و بازتاب‌دهنده فعالیت‌های معتبر فراگیران بوده و فرصت‌هایی را برای ارزیابی عملکرد، فراهم می‌کند [۱] و می‌تواند به عنوان رویکردی نظام‌مند در برنامه‌ریزی درسی در رفع شکاف‌ها و نیازهای موجود در برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری، راهگشا باشد. چرا که ارتقای شایستگی در عملکرد پرستاری، از برنامه آموزشی دوره کارشناسی پرستاری آغاز می‌شود [۱۸]. همچنین در مطالعه - ای که توسط Lindsay و همکاران در سال ۲۰۱۷ به منظور کشف نیازها و ترجیحات آموزشی پرستاران شاغل در یکی از بیمارستان - های ایالات متحده آمریکا انجام شد، نیاز به روزآمدسازی برنامه درسی متناسب با نیازهای پرستاران شاغل در بیمارستان‌ها، به طور برجسته مطرح شده بود [۱۹]. نیاز به روزآمدسازی برنامه درسی این رشته‌مقطع را می‌توان با دغدغه‌های موجود در خصوص کیفیت و ایمنی مراقبت سلامت، مرتبط دانست. دغدغه‌هایی که انتظارات مرتبط با عملکرد را دستخوش تغییر نموده و به نوعی ایجاد تغییر در ارائه مراقبت حرفه‌ای سلامت را الزامی نموده است. این دغدغه‌ها منحصر به کشور ما نبوده و حتی در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان مطرح است. به این ترتیب، ارزشیابی و بازنگری مداوم برنامه - های درسی برای پاسخ‌گویی به این‌گونه دغدغه‌ها، همواره مورد توجه دست‌اندرکاران امر آموزش در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر جهان بوده است؛ در شرایطی که نتایج بسیاری از این بررسی‌ها در سایر کشورها، از روند مناسب و وضعیت رضایت‌بخش، حکایت می - نماید.

طول دوره برای انجام کار مستقل در بیمارستان، به عنوان یکی از مشکلات موجود مطرح شده و بر نیاز به پیش‌بینی این‌گونه شیفت‌ها به ویژه در سال آخر برنامه، تأکید شده است. از جمله وجوه اشتراک برنامه‌های درسی دو کشور، تلفیق وجوه نظری و عملی دروس و تعداد مشابه درس‌ها و طول برنامه‌های درسی در دو کشور است. بر اساس نتایج این مطالعه، از لحاظ روند پیش رو و آینده برنامه درسی، در ژاپن در خصوص مراقبت پرستاری در منزل، پذیرش عمومی وجود دارد؛ در حالی که در ایران در خصوص مراقبت پرستاری در منزل، اتفاق نظر عمومی حاصل نشده است [۲۱]. یافته‌های پژوهش حاضر نیز به نوعی مؤید این موضوع بوده و با توجه به گزاره‌های استخراج شده ذیل محور اصلی «نیازهای جامعه» در فرآیند نیازسنجی، بیماران در عمل از تخصص پرستاران در جامعه محروم بوده و با ترخیص بیماران از بخش، هیچ آموزشی برای مراقبت انتقالی لحاظ نشده است؛ به همین دلیل، تداوم مراقبت با ترخیص بیمار از بخش، از بین می‌رود.

در مطالعه‌ای که تاج آبادی و همکاران در خصوص مقایسه نظام آموزشی و برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری در ایران و تورنتو کانادا، انجام دادند، مشخص گردید که ضمن وجود شباهت‌هایی در زمینه اهداف، نقش‌ها و توانمندی‌ها، در دانشکده پرستاری تورنتو، برخی از دروس به صورت بر خط (online) ارائه می‌گردد؛ ضمن این که ارزشیابی دروس عملی به روش قبول/رد است و بر تقویت تفکر انتقادی نیز تأکید می‌شود. این در حالی است که در دانشکده پرستاری تورنتو، با گذراندن دوره‌های علوم انسانی، دانشجو به درک مناسبی از ماهیت انسان و نودوستی رسیده، با علاقه و انگیزه به تحصیل می‌پردازد [۲۲]. گزاره‌های استخراج شده در مطالعه حاضر نیز بر اهمیت پرداختن بیشتر به مباحث علوم انسانی در برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری در ایران، دلالت می‌نماید. همچنین با عنایت به یافته‌های مطالعه حاضر، بر لزوم بازنگری در روش‌های آموزشی و تجربیات یادگیری متناسب با نیاز نسل جدید پیش رو و استفاده از روش‌های نوین یاددهی و یادگیری مانند شیوه‌های آموزش مجازی و راه دور، شبیه‌سازی، درگیر شدن با پادکست، روش‌های یادگیری مبتنی بر رایانه، یادگیری مبتنی بر گوشی همراه و یادگیری اکتشافی تأکید شده است. در همین ارتباط، بسیاری از دانشکده‌های پزشکی معروف دنیا مانند نیوکسل و داندی، هنگام بازبینی برنامه درسی خود برای کلاس‌های بزرگ‌تر، تلاش می‌کنند که از روش‌هایی استفاده کنند که عملاً ترکیبی از

تغییر منبع اخذ اطلاعات دانشجویان بدون راستی‌آزمایی و سنجیدن صحت اطلاعات و لزوم پیش‌بینی حوزه اصلی شایستگی «فناوری و مدیریت اطلاعات» در مجموعه شایستگی‌های ضروری دانش-آموختگان، است. همچنین نیاز به توانمندسازی استادان متناسب با رویکردهای نوین آموزشی، از جمله نیازهای مطرح شده بود.

در مطالعه‌ای در خصوص مقایسه بین نظام‌های آموزشی ایران و ژاپن، ضرورت انعطاف بیشتر برنامه‌های درسی در ایران نسبت به نیازهای جامعه، بیش از پیش برجسته شده و در فرآیند مقایسه‌ای مزبور، تفاوت‌های دو نظام به خوبی تبیین شده است. با توجه به معیارهای پذیرش در رشته، در ژاپن ارایه رزومه، توصیه‌نامه و گواهی زبان انگلیسی اعم از IELTS یا TOEFL به منظور ورود به رشته ضرورت دارد و در ایران ساز و کار ورود به رشته از طریق آزمون ورودی و انتخاب دانشجویان به لحاظ درسی قوی‌تر بوده و هیچ‌گونه گواهی زبان برای ورود به این مقطع تحصیلی در نظر گرفته نشده است [۲۱]. به نظر می‌رسد همین تفاوت در نحوه انتخاب دانشجویان برای ورود به رشته، در انتخاب افراد به واقع علاقه‌مند به این حرفه و دارای انگیزه قوی برای ارایه مراقبت بیمارمحور مبتنی بر اصول علمی و اخلاقی، تأثیرگذار باشد. یافته پژوهش حاضر نیز مؤید این موضوع بوده و صاحب‌نظران شرکت-کننده بر این باورند که «در حال حاضر هیچ‌گونه ساز و کاری برای بررسی انگیزه و سلامت جسم و روان داوطلبان ورود به این رشته وجود ندارد».

نظام آموزش در ژاپن این امکان را به دانشجویان می‌دهد که آموزش خود را تداوم بخشند. به منظور فراهم آوردن فرصت‌های آموزشی برای دانشجویان در ژاپن، در برخی از دانشگاه‌ها، برنامه‌هایی ۴ ساله در قالب تحصیلات تکمیلی، در نظر گرفته شده است که در این برنامه‌ها، زمان زیادی به آموزش بالینی توسط متخصصان پزشکی در محیط‌های بیمارستانی، اختصاص داده می‌شود. همچنین شیفت‌های شب به صورت دوره‌های شبانه برای کار دانشجویان در نظر گرفته می‌شود. وضعیت موجود در ژاپن حاکی از نوعی تلاش برای غلبه بر نیاز به ارتقای شایستگی‌های حوزه‌های عملکردی دانشجویان بوده و به نظر می‌رسد پیش‌بینی شیفت‌های شب و برنامه‌های تکمیلی در همین راستا صورت پذیرفته باشد. یافته‌های مطالعه حاضر نیز حاکی از اهمیت پیش‌بینی شیفت‌های اکسترای عصر و شب به منظور ارتقای شایستگی‌های عملکردی دانشجویان است؛ به‌گونه‌ای که عدم ایجاد اعتماد به نفس لازم در دانشجویان در

تحول نیز مستلزم اتخاذ رویکردی علمی و مبتنی بر مستندات و طی مراحل بر اساس الگویی از پیش تعیین شده است. Frank و همکاران توصیه می‌کنند که ضروری است تلاشی جدی برای طراحی روش‌های مختلفی که افراد از طریق آنها، شایستگی‌های لازم را در آموزش حرفه‌ای سلامت، کسب می‌کنند، صورت گیرد. آنها با اشاره به این موضوع که روش‌های مرسوم یاددهی-یادگیری در آموزش پزشکی، روش‌های معمول مبتنی بر گروه هستند، به این نکته اشاره می‌کنند که این روش‌ها به وجوه مختلف، سرعت و توالی کسب شایستگی توسط افراد، ناظر نیستند. آنها تصریح می‌کنند که نیازی جدی به طراحی روش‌های تدریسی که متناسب با تفاوت‌های فردی در یادگیری است، احساس می‌شود. همچنین نکته مهم دیگر از نظر آنان که باید در طراحی برنامه درسی به آن توجه داشت، مسأله ارزشیابی شایستگی‌هاست که لازم است تلاشی ویژه برای طراحی روش‌های خاص ارزشیابی پیامدهای یادگیری و شایستگی‌های کسب شده دانشجویان، صورت پذیرد [۱۵]. چرا که بسیاری از روش‌های سنتی ارزشیابی، مناسب ارزشیابی شایستگی‌ها به‌ویژه در ارتباط با مراقبت پرستاری از بیماران نیست [۲۶]. با این تفاسیر و با توجه به نتایج مطالعه حاضر، کشف شکاف‌ها و نیازها در برنامه درسی دوره کارشناسی پرستاری در ایران می‌تواند به عنوان مبنایی پژوهشی، نقطه آغازینی برای وقوع هر گونه تغییر در فرایند یاددهی و یادگیری به منظور غلبه بر چالش‌های موجود باشد. افزون بر این، بهره‌مندی از یافته‌های مطالعه تطبیقی و آگاهی نسبت به وضعیت موجود در دانشگاه‌های برتر جهان، با فراهم ساختن مستندات علمی، راه را برای تحول و بازنگری برنامه درسی هموار می‌سازد.

سپم نویسندگان

سپند ریاضی: پژوهشگر اصلی، طراحی مطالعه، مرور پیشینه پژوهش، طراحی و اجرای فرایند نیازسنجی، انجام مطالعه تطبیقی و تفسیر، مقایسه و طبقه‌بندی اطلاعات، نگارش مقاله
مجید علی عسگری: هدایت و راهنمایی مطالعه، ویرایش نهایی مقاله
علی حسینی خواه: مشاوره علمی، ویرایش نهایی مقاله
ناهید دهقان نیری: مشاوره علمی، ویرایش نهایی مقاله

تشکر و قدردانی

از مدیران و مسؤولان محترم حوزه آموزش و اعضای محترم هیأت علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران که با

روش سنتی با روش فراگیرمحور نوین باشد. روش «یادگیری اکتشافی هدایت شده» یکی از این نمونه‌هاست. نکته اصلی در این روش، یادگیری چگونه آموختن از طریق فرایند اکتشاف و کشف دانش است. نتایج مطالعه ماکولاتی و همکاران بر روی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی شیراز نشانگر سطح رضایتمندی بالاتر دانشجویان در شیوه «یادگیری اکتشافی هدایت شده» نسبت به «سخنرانی» بود [۲۳].

Fukada معتقد است برای آموزش شایستگی‌های بالینی به دانشجویان پرستاری، از روش‌های آموزشی «شبیه‌سازی»، «یافتی نقش» و «آموزش مبتنی بر سناریو» استفاده شود که در آموزش مبتنی بر سناریو، دانشجویان در قالب گروه‌های کوچک فعالیت می‌کنند و به آنها یک سناریوی پرستاری ارائه می‌شود که در آن یک مشکل در موقعیتی خاص، مطرح شده است [۲۴]. یافته‌های مطالعه حاضر نیز حاکی از اقبال صاحب‌نظران شرکت‌کننده در این پژوهش، به این گونه روش‌هاست؛ به گونه‌ای که بر استفاده از مجموعه‌ای از روش‌های آموزشی نوین از جمله روش‌های آموزشی «شبیه‌سازی»، «یافتی نقش» و «آموزش مبتنی بر سناریو»، برای رفع مشکل «عدم روزآمدی روش‌های آموزشی»، تأکید شده است.

یادگیری مؤثر یادگیری است که مانا بوده و قابلیت به‌کارگیری در موقعیت‌های جدید و متفاوت را دارد. یادگیری در سال‌های اول دوره کافی نیست و باید در محیط کار بالینی تقویت شود. الگوهای نقش، در شکل‌گیری منش حرفه‌ای، قدرتمند و تأثیرگذار هستند. همچنین بازاندیشی بر روی عملکرد برای اطمینان از این که یادگیری مناسب حاصل شده است، بسیار مهم است [۲۵]. یافته‌های این پژوهش نیز مؤید همین موضوع بوده و وجود مشکل در آموزش بسیاری از شایستگی‌ها از جمله حرفه‌ای‌گری و حتی مهارت‌های ارتباطی و نیاز به استفاده از روش‌های آموزشی نوین از جمله روش آموزشی الگوی نقش، مطرح گردید. همچنین با توجه به نتایج حاصل از بخش مطالعه تطبیقی این پژوهش، در دانشگاه فناوری سیدنی، بازاندیشی و خودارزیابی، از اهمیت خاصی برخوردار بوده و برای اطمینان از حصول یادگیری، در برنامه درسی آن دانشگاه، پیش‌بینی شده است. بدون شک تغییر در فرایند یاددهی و یادگیری، تلاشی است که در جهت رفع شکاف‌ها و پاسخ‌گویی به نیازها، صورت می‌پذیرد؛ اما نکته مهم این است که چنین تغییری بدون تحول در تمامی ارکان، اجزا و گام‌های فرایند برنامه‌ریزی درسی و بازنگری برنامه‌های درسی میسر نخواهد بود و هر گونه

نظرات ارزشمند و همکاری بی دریغ در این مطالعه، مجدانه

همراهی نمودند، تقدیر و تشکر می‌شود.

منابع

1. Harris P, Bhanji F, Topps M, Ross S, Lieberman S, Frank JR, et al. Evolving concepts of assessment in a competency-based world. *Medical Teacher* 2017;39:603-8
2. Davis N, Davis D, Bloch R. Continuing medical education: AMEE education guide No 35. *Medical Teacher* 2008;30:652-66
3. Stufflebeam DL, McCormick CH, Brinkerhoff RO, Nelson CO. Conducting educational needs assessments. 1st Edition, Springer Science & Business Media; Berlin, 2012
4. Hsieh S-I, Hsu L-L. An outcome-based evaluation of nursing competency of baccalaureate senior nursing students in Taiwan. *Nurse Education Today* 2013;33:1536-45
5. Kouwenhoven W. Competence-based curriculum development in higher education: a globalised concept? 2009; Available from: <https://www.intechopen.com/books/technology-education-and-development/competence-based-curriculum-development-in-higher-education-a-globalised-concept>
6. Mc Kimm J. Current trends in undergraduate medical education: Teaching, learning and assessment. *Samoa Medical Journal* 2010;38:40-8
7. University of Idaho. Methods for conducting an educational needs assessment. 2009; Available At: http://cmedbd.com/cmedadmin/upload/reading_materials/articles/M3_TL1_Article.pdf
8. Kim MJ, Lee H, Kim HK, Ahn Y-H, Kim E, Yun S-N, et al. Quality of faculty, students, curriculum and resources for nursing doctoral education in Korea: a focus group study. *International Journal of Nursing Studies* 2010;47:295-306
9. Naseri N, Salehi S. Accreditation of nursing education in Iran: Documenting the process Iranian. *Journal of Nursing and Midwifery Research* 2008;12:136-138
10. Salminen L, Stolt M, Saarikoski M, Suikkala A, Vaartio H, Leino-Kilpi H. Future challenges for nursing education—A European perspective. *Nurse Education Today* 2010;30:233-8
11. Khomeiran RT, Deans C. Nursing education in Iran: Past, present, and future. *Nurse Education Today* 2007;27:708-14
12. University of Manchester Metropolitan Bachelor of Nursing. Available At: <https://www2.mmu.ac.uk/hpsc/courses/undergraduate-courses/>
13. University of San Francisco Bachelor of Nursing. Available At: <https://www.usfca.edu/nursing/programs/undergraduate/nursing>
14. University of Technology Sydney Bachelor of Nursing. Available At: <https://www.uts.edu.au/research-and-teaching/learning-and-teaching/learningfutures/what-learningfutures>
15. Frank JR, Snell LS, Cate OT, Holmboe ES, Carraccio C, Swing SR, et al. Competency-based medical education: theory to practice. *Medical Teacher* 2010;32:638-45
16. Riazi S, Aliasgari M, deghannayeri N, Hosseinihah A. A Comparative study of undergraduate nursing courses in Tehran University of Medical Sciences and the world's top universities based on QS global ranking. Abstract of 19th National Congress of Medical Education. Tehran: Iran University of Medical Sciences 2018; published at: https://edc.mui.ac.ir/sites/edc.mui.ac.ir/files/pdf/brgdhry_w_rsl_nskhh_lkhtwrnykh_khtbchh_pywst.pdf [In Persian]
17. Nursing Sciences Development Committee. Nursing Students Internship Regulations in Clinical Education Centers. 1396; Available At: <http://nm.mui.ac.ir/sites/nm.mui.ac.ir/files/pdf/aeen3.pdf> [In Persian].
18. Vernon R, Chiarella M, Papps E. Confidence in competence: legislation and nursing in New Zealand. *International Nursing Review* 2011;58:103-8
19. Lindsay JM, Oelschlegel S, Earl M. Surveying hospital nurses to discover educational needs and preferences. *Journal of the Medical Library Association: JMLA* 2017;105:226
20. Smith EL, Cronenwett L, Sherwood G. Current assessments of quality and safety education in nursing. *Nursing Outlook* 2007;55:132-7
21. Sajadi SA, Rajai N, Mokhtari Nouri J. Comparison of the Curricula of Master of Science in Nursing (MScN) Programs in Iran and Japan: A Descriptive Comparative Study. *Strides in Development of Medical Education Journal* 2017;14:2-5
22. Tajabadi A, Aghaei M, Roshanzadeh M. Comparison of the Educational System and the Newest Nursing Graduate Curriculum in Iran and Toronto: A Comparative Study. *Education Strategy Medical Sciences* 2019; 11: 82-9 [In Persian]

23. Makoolati N, Amini M, Raisi H, Yazani S, Razeghi A. The effectiveness of Guided Discovery Learning on the learning and satisfaction of nursing students. *Hormozgan Medical Journal* 2015;18:490-6
24. Fukada M. Nursing competency: definition, structure and development. *Yonago Acta Medica* 2018;61:001-7
25. O'Sullivan H, van Mook W, Fewtrell R, Wass V. Integrating professionalism into the curriculum: AMEE Guide No. 61. *Medical Teacher* 2012;34:e64-e77
26. Kim HS. Outcomes-based curriculum development and student evaluation in nursing education. *Journal of Korean Academy of Nursing* 2012;42:917-27

ABSTRACT

Understanding gaps and needs in the undergraduate nursing curriculum in Iran: A prelude to design a competency-based curriculum model

Sepand Riazi^{1*}, Majid Aliasgari¹, Ali Hosseinihah¹, Nahid Dehghannayeri²

1. Faculty of Education & Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran

2. Faculty of Nursing & Midwifery, Tehran University of Medical Sciences (TUMS), Tehran, Iran

Payesh 2020; 19 (2): 145 – 158

Accepted for publication: 15 April 2020

[EPub ahead of print-19 April 2020]

Objective (s): The purpose of this study was to investigate the gaps and needs in the undergraduate nursing curriculum in Iran as a logical prelude to design a competency-based curriculum model.

Methods: The present study was a qualitative study consisting of two parts: needs assessment and comparative study. Delphi technique was used for the needs assessment and Bereday model was used for comparative study.

Results: After prioritizing the information obtained from the needs assessment, finally the 8 main axes of "student competencies", "content", "content organization", "Educational methods", "student assessment", "time", "community needs" and "overall curriculum" were extracted, each of which focused on the most important issues separately and a total of 35 statements as gaps and needs in the undergraduate nursing curriculum was considered. Also, according to the findings of the comparative study, the status of the undergraduate nursing curriculum in Iran compared to similar curricula in the top universities of the world, in addition to confirming some similarities, suggests significant differences in the curriculums. The main concern of the participants was the lack of skills of nursing graduates. They believed that, despite the efforts of nursing authorities, the curriculum could not motivate students and to provide graduates with the necessary understanding, attitude, and skills in their careers.

Conclusion: The present study explored the needs and gaps in the undergraduate-nursing curriculum of Iran and can be used by decision makers in nursing education in the country.

Key Words: Need, Curriculum, Undergraduate, Nursing, Iran

* Corresponding author: Faculty of Education & Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran
E-mail: sepand.riazi@gmail.com